

Original Article

The Impact of Improving Judicial Ethics on legal Proceedings

Sahar Lalehkhani¹, Javad Khaleqian^{2*}

1. PhD Student of Department of Private Law, Islamic Azad University of Central Tehran, Tehran, Iran.

2. Department of Private Law, Islamic Azad University of Karaj, Karaj, Iran. (Corresponding Author)

Email: Dr.j.khn@gmail.com

Received: 10 Feb 2019 Accepted: 22 May 2019

Abstract

Background and Aim: Fair judging is one of the fundamental criteria in legal proceedings that are of interest to different legal systems. In this regard, examining the personal and psychological factors of the judge and the social environment can be considered as influential factors in legal proceedings. The main purpose of this article is to examine the role of judicial ethics in legal proceedings.

Materials and Methods: A descriptive-analytical approach is used to examine the impact of judicial ethics on legal proceedings. In this regard, the analytical approach requires to gathering information and data from different sources which has been done in a documentary and library way.

Findings: The most important research findings Based on that judicial ethics during a trial can affect the trial process in different ways. Accordingly, the judge can be directly and indirectly influenced by internal and external pressures, during trial and at time of sentencing, Such as emotions, intellectual concerns, social conditions, media create space, and even moral and financial corruption.

Conclusion: The dynamics of judicial ethics in light of these solutions, including guidance by judges and Find out the reason of the judges, it directly affects on Companions of civil strife and subsequently leads to beneficial outcomes, including tangible writs and a reduction in the number of lawsuits and the avoidance of Prolonged Proceedings.

Keywords: Judicial Ethics; Internal and External Pressures; Legal Proceedings; Fair Judging; Judicial Insight

Please cite this article as: Lalehkhani S, Khaleqian J. The Impact of Improving Judicial Ethics on legal Proceedings. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 383-394.

تأثیر بهبود اخلاق قضایی در دادرسی حقوقی

سحر لاله‌خانی^۱، جواد خالقیان^{۲*}

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Dr.j.khn@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱

چکیده

زمینه و هدف: قضاوت عادلانه به عنوان یکی از معیارهای اساسی در دادرسی حقوقی مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف است. در همین راستا، بررسی عوامل شخصی و روانی قاضی و محیط اجتماعی می‌تواند به عنوان عوامل تأثیرگذار دادرسی حقوقی مورد توجه قرار گیرند. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی نقش اخلاق قضایی در دادرسی حقوقی است.

مواد و روش‌ها: به منظور بررسی تأثیر اخلاق قضایی بر دادرسی حقوقی از رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در همین راستا به کارگیری رویکرد تحلیلی نیازمند جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از منابع مختلف است که به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به انجام آن اقدام شده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بر این اساس است که اخلاق قضایی در حین دادرسی می‌تواند به انحای مختلف بر فرایند دادرسی اثرگذار باشد. بر این اساس، قاضی در حین دادرسی و در زمان حکم دادن می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر فشارهای درونی و بیرونی، همچون هیجانات، مشغله‌های فکری، شرایط اجتماعی، جوسازی رسانه‌ای و حتی فساد اخلاقی و مالی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری: پویایی اخلاق قضایی در پرتو این راه‌کارها، از جمله ارشاد توسط قضات و تحصیل دلیل قضات، مستقیماً بر اصحاب دعوای مدنی تأثیر می‌گذارد و متعاقباً نتایج سودمندی از جمله صدور آرای ملموس و کاهش تعدد دعاوی و جلوگیری از اطاله دادرسی را منجر گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق قاضی؛ فشارهای بیرونی و درونی؛ بینش قضایی؛ دادرسی حقوقی؛ قضاوت عادلانه

مقدمه

اخلاق قضایی دربرگیرنده شرایط اخلاقی حاکم بر امر قضاوت است که می‌تواند ویژگی‌ها و خصوصیات فردی یک قاضی را نیز دربر بگیرد. بدین معنا که قاضی به عنوان حاکم نهایی یک امر قضایی، دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند امر قضاوت را تحت تأثیر قرار دهد. اخلاق قضایی در معنای مثبت و سازنده آن به معنای ویژگی‌های یک قاضی پسندیده و ایده‌آل می‌باشد. به بیان دیگر، «اخلاق حرفه‌ای» مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه، اعمال می‌شود و اخلاق حقوقی که اخلاق قضایی ذیل آن قابل طرح است، یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای است که به بررسی رفتاری حقوقی و مشاغل زیر مجموعه در علم حقوق می‌پردازد (۱). با این حال، اخلاق قضایی ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد و روند قضاوت را تحت تأثیر خود قرار دهد. از منظر گسترده‌تر، می‌بایست عوامل تأثیرگذار بر اخلاق قضایی، همچون انواع رفتارهای مرتبط با قاضی، رسانه‌های اجتماعی، سیاست، هیجانات درونی قاضی، انگیزه، حالات و رفتار اصحاب دعوی مدنی و... را مورد بحث و بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد که قضات برای موفقیت بیشتر در عملکردهای قضایی بایستی این عوامل را کنترل کنند و اخلاق قضایی را بهبود بخشند.

در همین راستا، انواع دغدغه‌های فکری و عدم آرامش روانی قضات می‌تواند بر اخلاق قضایی قضات تأثیر سازنده یا مخربی را داشته باشند و این فشارها به طور غیر مستقیم می‌تواند چالش‌هایی را در دادرسی عادلانه برای قضات ایجاد کند و باعث بی‌عدالتی در روند قضایی گردد.

پژوهش حاضر در مقام پاسخ به این پرسش است که چه فشارهایی می‌تواند حین دادرسی یا قبل از انشای رأی، قضات را تحت تأثیر بگذارد و به نوعی با انواع فشارهای مختلف استقلال ایشان را در مسیر دادرسی عادلانه به چالش بکشد؟ فرضیه نوشتار این است: عدم سلامت روانی قاضی با گرایش به هوس فردی از یک طرف و عوامل اجتماعی، نظیر مفاسد اجتماعی، فشارهای بیرونی و محیطی، از طرفی دیگر، می‌توانند دادرسی عادلانه را تحت تأثیر خود قرار دهند.

ساختار مقاله بدین ترتیب است که ابتدا مفاهیم مرتبط با بحث مطرح می‌شوند، سپس به بررسی انواع فشارهای درونی و بیرونی بر اخلاق قضایی بررسی می‌شوند؛ پس از آن، عوامل فردی و اجتماعی بر اخلاق قضایی مورد بحث قرار می‌گیرند و در نهایت نتیجه‌گیری بیان می‌شود.

مفاهیم

۱- اخلاق عمومی

اخلاق عمومی در اصطلاح مجموعه قواعدی است که در طول ادواری از زندگی یک جامعه با فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آن را محترم شمرده و کمابیش به معرض اجرا درمی‌آورند و تخلف از آن‌ها وجدان اکثریت جامعه را ناراحت می‌کند و مبنای آن‌ها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌ها می‌باشد (۲). با توجه به اهمیت اخلاق عمومی، بخشی از روان‌شناسی با عنوان «روان‌شناسی اخلاق» وارد حیطه مباحث علمی گردید. موضوع روان‌شناسی اخلاق، در مورد خوب و بدی‌هایی است که قضاوت‌های اخلاقی ما را شکل می‌دهند (۳). بدین ترتیب باید گفت اخلاق عمومی به عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی بشر مورد توجه قرار گرفته است.

از طرفی دیگر، امروزه به دلیل گسترش سازمان‌ها و افزایش تعارضات در زندگی اجتماعی افراد و تغییرات چشم‌گیر محیطی و اجتماعی، انعطاف‌پذیری افراد در برابر مشکلات، تعارضات و تغییرات اهمیت روزافزونی پیدا کرده است (۴). بنابراین تلاش برای اصلاح حوزه‌های روابط اجتماعی و ترویج اخلاق عمومی میان مردم یکی از نیازهای بشر امروزی است. همچنین در جوامع صنعتی، فقدان مبنای اخلاقی منسجم‌کننده و حداقلی از وجدان جمعی، منجر به فروپاشی اجتماعی می‌شود و این وضعیت در محیط‌های خاص به صورت مختلفی بازتاب دارد (۵). بنابراین اخلاق عمومی به عنوان یکی از شاخه‌های علم اخلاق، دربرگیرنده قواعد اخلاقی عمومی نظیر وفای به عهد، راستگویی، پرهیز از ریا، رعایت حقوق دیگران و... است که از مبانی اصلی سرمایه‌های اجتماعی در دوره معاصر به شمار می‌روند.

۲- اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای نیز امروزه نقش پراهمیتی در حوزه سازمانی دارد، به گونه‌ای که اخلاقیات و مباحث مربوط به آن، همچون عدالت، انصاف، تعهد و حقوق فردی و سازمانی نقش پررنگ و مهمی یافته است. بنابراین مدیران و کارمندان سازمان‌ها برای ایفای امور سازمانی خود، افزون بر معیارهای سازمانی و قانونی نیاز به مجموعه‌ای از رهنمودهای اخلاقی و ارزشی دارند که آنان را در رفتارها و اعمال سازمان‌ها یاری دهد و نوعی هماهنگی و وحدت رویه در حرکت به سوی شیوه مطلوب در اخلاق سازمانی را میسر سازند، چراکه امروزه یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی و عوامل مهم موفقیت سازمان‌ها اصول اخلاقی می‌باشد (۶). همچنین اخلاق حرفه‌ای مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه، اعمال می‌شود. در این زمینه، کمیته حقوق بشر دوستانه بین‌المللی با شاخه‌هایی، مانند اخلاق پزشکی، اخلاق زیستی، اخلاق حقوقی، اخلاق محیط زیست و... (۷). به تبیین اخلاق نیز حرفه‌ای پرداخته است. بدین ترتیب رعایت اخلاق حرفه‌ای در سازمان امری لازم و ضروری دانسته شده است تا سازمان از یکسو جامعه را دچار تعارض نکند و از سوی دیگر با گرفتن تصمیمات منطقی و خردمندانه، منافع بلندمدت خود را جامعه تضمین کند (۸). بنابراین اخلاق حرفه‌ای که برخلاف اخلاق عمومی جنبه خاص‌تری دارد، ناظر بر ویژگی‌های یک سازمان و حرفه خاصی است که می‌تواند از سایرین متمایز باشد. بنابراین می‌توان از اخلاق حرفه‌ای پزشک، قاضی، ورزشکار، هنرمند و... سخن گفت.

۳- اخلاق قضایی

اخلاق قضایی یکی از مصادیق اخلاق حرفه‌ای است که به طور خاص بر رفتار اخلاقی قضات و امر قضاوت توجه می‌کند. این مسأله در مکاتب مختلف با دیدگاه‌ها و نظرات گوناگونی بیان می‌شود و هر یک از مکاتب حقوقی در تلاش هستند تا ویژگی‌های خاصی برای اخلاق قضایی مطرح کنند، هم‌چنانکه در دین اسلام و در حکومت اسلامی، عده‌ای که خود را برای انجام قضاوت آماده می‌کنند، می‌بایست صفات پسندیده اخلاقی که اهم آن‌ها عدالت و درستی است به دست آورند

(۹). همچنین در زمینه اخلاق قضایی در دین مبین اسلام ویژگی‌های دیگری نیز بیان شده است. به عنوان مثال، قضاوت در حال غضب یا حالات مشابه دیگر، همچون گرسنگی، تشنگی، غم، شادی، درد و... مکروه است (۱۰). در فرهنگ‌های گذشته شاخصه‌های مهم و ارزشمند در شغل قضاوت، رعایت اصول اخلاقی بوده است که می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها، از جمله به دینداری، عالم‌بودن، عدالت‌ورزی، حلم، صبر تواضع، هیبت، آرامش، اهل مشورت بودن، دوری از ثروت اندوزی و تعرض به مال یتیمان، رشوه‌نگرفتن و دوری از غرور و دروغ‌گویی اشاره کرد (۱۱). بنابراین اخلاق قضایی در اسلام به ویژگی‌های قاضی نظر می‌افکند. در مجموع می‌توان گفت قاضی صالح دارای ویژگی‌های آگاهی و علم، عدل، سعه صدر، شکیبایی و تحمل در کشف حقایق و ژرف‌بینی می‌باشد و از جمله صفات ناپسندی که قاضی نباید مبتلا به آن‌ها باشد، می‌توان به پیروی از هوای نفس، طمع، بی‌حوصلگی در ادامه و جستجو برای رسیدن به حقیقت، غرور و عجله در قضاوت اشاره کرد (۱۲). قابل ذکر است که قضاوت از جمله مشاغل نادری است که تصدی آن علاوه بر تخصص و علم، نیاز به کسب ملکه عدالت دارد. این که یک قاضی پسندیده و ایده‌آل چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد که از تخصص و علم وی منفک می‌باشد، اخلاق قضایی قضات را رقم می‌زند. بنابراین مجموعه خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصی که در تعریف و تعلیم آموزه‌های اخلاقی در حوزه قضا و دادگستری کمک شایانی می‌کند باعث ارتقای اخلاق قضایی می‌شود. گواهی این ادعا آیین‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۲۰۰۴/۵/۲۶ می‌باشد که در تاریخ ۲۰۰۵/۳/۹ با اصلاحیه به اجرا درآمد و اشاراتی در ماده ۳ آیین‌نامه یادشده (در دو بند و سه حاشیه) شده است و ماده ۴ الی ۱۱ به اخلاق قضایی اختصاص یافته است.

با این حال، اخلاق قضایی که به ویژگی‌های قضات اشاره می‌کند، ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد و با گرایش به سمت هوی و هوس فردی، مفاسد اجتماعی و فشارهای درونی و بیرونی نقشی منفی بر روند دادرسی عادلانه ایفا کند. به همین دلیل، بررسی انواع فشارهای درونی و

بیرونی در این زمینه می‌تواند موارد مؤثر بر دادرسی عادلانه را به ما نشان دهد.

بررسی انواع فشارها بر اخلاق قضایی حین دادرسی حقوقی

امر قضاوت، امر حساس و محوری در برقراری عدالت میان مردم است. از این رو بررسی ویژگی‌های شخص قاضی، شرایط فردی و روانی وی، محیطی که در آن به بررسی امر قضاوت می‌پردازد و به انشای رأی متوسل می‌شود، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های وی ایفا می‌کنند. موضوع عدالت در قضاوت چنان مهم است که مباحث متعددی در این زمینه مطرح شده است و قاضی‌ای که متصف به صفت عدالت نباشد، هرگز نباید برای این کار گماشته شود. مباحث عدالت نفسانی و عدالت عملی ناظر بر همین قضیه است. بر اساس عدالت نفسانی، اصل بر عادل نبودن قاضی بوده و عدالت وی نیاز به اثبات دارد، اما بر مبنای عدالت عملی، اصل بر عدالت قاضی است، مگر این‌که خلاف آن ثابت شود (۱۳). در کنار اصل عدالت، استقلال قاضی و پیروی نکردن از هوی و هوس، عدم توجه به فشارها و جوسازی‌های محیطی و خارجی و همچنین به کارگیری دانش حقوق و توانمندی‌های علمی و حقوقی، تضمین‌کننده اخلاق قضایی است. بدین ترتیب وجود اخلاق قضایی به دور از عوامل مخرب باعث بهتر رهنمون‌شدن قضات به سمت حقیقت می‌شود.

فشارهایی که ممکن است بر اخلاق قضایی و در نهایت بر دادرسی حقوقی اثرگذار باشد، به دو قسمت فشارهای درونی بر اخلاق قضایی و فشارهای بیرونی تقسیم می‌شوند که به ترتیب بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۱- فشارهای درونی بر اخلاق قضایی

رفتار اخلاقی باید به رفتاری اطلاق شود که متعلق به خود شخص باشد و به عبارت دیگر از اراده فردی ناشی شده باشد (۱۴). بنابراین تأثیرگذاری مؤلفه‌هایی غیر از رفتارهای درونی فرد، می‌تواند به عنوان عاملی درونی و خارج از اراده فردی وی تلقی شود. این مسأله در امر قضاوت بسیار مهم است، چنانچه

در شاخصه‌های یک قاضی پسندیده مدیریت نفس یکی از ویژگی‌های برتر اشاره شده است و منظور از آن منضبط‌بودن، تعهد و سخت‌کوشی و به تعبیر دیگر به مشخصاتی چون داشتن سطح بالایی از سلامت جسمی و روحی، وقت‌شناسی، داشتن ظاهر موجه و خوش‌پوشی اشاره شده است (۱۵). از این منظر، اخلاق قضایی شاخصه‌هایی دارد که تضمین‌کننده دادرسی عادلانه می‌باشد. پس ویژگی‌های درونی یک قاضی می‌تواند به صورت غیر مستقیم در تصمیمات، استدلال‌ات حقوقی و قضایی ایشان تأثیر بگذارد.

طبیعتاً، فشارهایی پیش روی یک قاضی در حین دادرسی و حکم‌دادن موجود می‌باشد که نشأت‌گرفته از درون یا بیرون ذهن ایشان می‌باشد. برای مثال قضاوت‌های اجتماعی یک قاضی از طرفین اصحاب دعوای مدنی، هیجانات یک قاضی در حین دادرسی و حکم‌دادن، مشغله‌های شخصی یک قاضی در حین دادرسی و حکم‌دادن، اعتقادات رسوخ‌کرده در درون قاضی در حین دادرسی و حکم‌دادن، تربیت اخلاقی، فردی و دینی ایشان، حساسیت‌های اخلاقی ایشان، ابعاد عاطفی و انگیزشی درونی یک قاضی می‌تواند بر روند دادرسی و حکم‌دادن مؤثر واقع شود. به طور کلی، تشخیص قضایی که دادرس نسبت به دعوی یا شکایت تحت رسیدگی پیدا می‌کند، یک روند درونی و ذهنی است که نهایتاً به صورت اراده قضایی او در قالب رأی دادگاه بر صفحه کاغذ جلوه‌گر می‌شود. این روند ذهنی همان است که در روان‌شناسی به آن جریان تصمیم‌گیری یا اراده‌سازی گویند و محصول یک سلسله فعل و انفعال ذهنی است که بسته به تصمیم یا آن برای شخص، خواه ناخواه از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد؛ از عوامل ارثی و خانوادگی گرفته تا عوامل خارجی (۱۶).

ویژگی‌ها و فشارهای درونی به طرق متعددی می‌توانند بر فرایند دادرسی اثرگذار باشند. به عنوان مثال، به هنگام قضاوت ابتدا نتیجه‌ای مبهم و شکل‌نیافته در ذهن شخص پیدا می‌شود و آنگاه می‌کوشد تا با یافتن صغری و کبرای مناسب، احساس مبهم و غیر مشخص خود را تصدیق و تأیید کند و چنانچه یافتن صغرا و کبرایی که بتواند «نتیجه» قبلی موجود

در ذهن را توجیه کند، ممکن نباشد، شخص در صورتی که اصولی و منطقی باشد، نتیجه و احساسات قبلی خود را دور می‌افکند و به دنبال نتیجه‌گیری دیگری می‌رود (۱۷). بدین‌ترتیب، اگرچه احساس ابتدایی ما آن چیزی است که قضات دادگاه برعکس وکلا، کاملاً بی‌طرف هستند و وظیفه آنان کشف عینی حقایق است، ولیکن بایستی موافق بود که آنان نیز مثل سایر اشخاص تحت تأثیر عواطف و احساسات خاص خود تحریک می‌شوند و بی‌شک در بیشتر موارد نتیجه‌ای مشروط را در نظر می‌آورند و آنگاه می‌کوشند تا با توسل به استدلال‌های قضایی این نتیجه را توجیه کنند (۱۸). از طرفی دیگر، واکنش‌های هیجانی نیز ممکن است موقعیت‌های اخلاقی را تحت تأثیر خود قرار دهند. بنابراین هیجان‌ها در انجام یا عدم انجام هنجارهای اجتماعی و اخلاقی، مانند صداقت، عمل متقابل و وفاداری نقش دارند و شواهد پژوهشی بیانگر این است که موقعیت‌های اخلاقی معمولاً بار هیجانی دارند و هیجان‌ها نیز ارزیابی‌های اخلاقی را هدایت می‌کنند (۱۹). برای مثال صفت درونی اقتدارطلبی خود را به صورت خودآزاری یا دیگر آزاری نشان می‌دهد و به همین دلیل نیازی قوی به وابسته‌بودن به یک شخص یا یک سازمان احساس می‌شود و باعث می‌شود از تحکم و دیکته‌کردن به دیگران فراتر رود و استثمار دیگران به صورت تملک و استفاده از هر چیزی که آن‌ها دارند، چه چیزهای مادی و چه صفات عقلی و عاطفی را شامل شود (۲۰). بنابراین امکان می‌رود که قبل از استنتاج حقوقی، بررسی قضایی و نتایج حقوقی برای یک حقوقدان به عنوان قاضی پرونده، فشارهای درونی بر ذهن و رفتار وی رسوخ کرده است که با عدم کنترل صحیح، دادرسی و محاکمات قاضی با مشکل مواجه می‌شود و به جای کشف حقیقت ممکن است قضات با تأثیرپذیری از فشارهای درونی و عدم کنترل صحیح آن به انحراف از دادرسی منجر گردند.

۲- فشارهای بیرونی بر اخلاق حرفه‌ای قضات

یک قاضی در محیط اجتماعی قرار دارد که محیط یادشده می‌تواند بر قضاوت‌های حقوقی ایشان تأثیرگذار باشد. در این زمینه می‌توان به نقش کنش‌های زبانی و کلامی در حین

دادرسی اشاره کرد. به عنوان مثال، در نحوه تأثیر صدا در دعوای مدنی، واژه‌ها فقط ۷٪ از هر پیام انتقال یافته را تشکیل می‌دهند و ۳۸٪ از هر پیام در نواخت و تأکید بر واژه‌های مختلف جلوه پیدا می‌کند. در تأیید این سخن، آبرت محرابیان اظهار می‌دارد: «۵۵٪ پیام از طریق زبان بدن گوینده منتقل می‌گردد و دلیل این امر را آن می‌داند که تعداد عصب‌های چشم تا مغز ۲۲ برابر تعداد عصب‌های گوش تا مغز است و به همین دلیل تأثیر دیداری بسیار قوی است» (۲۱). شواهد ارائه‌شده به دنبال نشان‌دهنده این مطلب است که محیط قضاوت در حین دادرسی و حتی در زمان انشای رأی می‌تواند بر روند تصمیمات قضات اثرگذار باشد و عقیده و گرایش قاضی را به مسیرهای دیگری سوق دهد.

همچنین در نحوه تأثیرگذاری انواع جنبش‌های اجتماعی که بر اساس معیارهای مختلفی، مانند تکیه‌گاه طبقاتی، تنوع فکری و ایدئولوژیکی، تعداد اعضا و... دسته‌بندی می‌شوند (۲۲). می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های محیطی بر روند قضاوت تأثیر داشته باشند. برای نمونه به نوعی به طور غیر مستقیم بر تفکر و بینش قضایی تأثیرگذار هستند. گواهی میزان تأثیرات مسائل خارجی بر قضاوت‌های حقوقی در انواع نظریه‌های حقوقی آشکار است. مکتب رئالیسم حقوقی آمریکا که برگرفته از تئوری‌های قانونی در سال ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ می‌باشد، با تأکید بر جنبه‌های واقعی تصمیمات حقوقی بر این باور هستند که تصمیمات دادرسان، خواسته یا ناخواسته بر مبنای باورهای شخصی، سیاسی یا اشراق و شهود آن‌ها اتخاذ می‌شود (۲۳). بنابراین نقش ضرورت‌های اجتماعی و به تبع آن تصمیمات اخلاقی قضات می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های آنان تأثیرگذار باشد.

همچنین مکتب تحقیقی اجتماعی که بر نقش عوامل اجتماعی بر شکل‌گیری حقوق تأکید می‌کند، حقوق را محصول عوامل اجتماعی پرورش‌یافته می‌داند. این عوامل عبارت است از عادات، اخلاق، مذهب و وضعیت اقتصادی (۲۴).

علاوه بر این موارد، به نظر می‌رسد عدم استقلال قضات، پایبندنبودن به موازین شرعی و قانونی، رعایت‌نکردن اصل بی‌طرفی، مشکلات شخصی و روانی و... از جمله مواردی است

بهبود رفتارهای فردی در اخلاق قضایی و دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه از جهت فردی، خصوصیات و رفتارهای قاضی و نحوه برخورد وی با مسائل مختلف می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. به همین دلیل، وجود ویژگی‌های مطلوب در نزد قاضی بر روند دادرسی عادلانه بسیار مؤثر است. به همین دلیل گفته می‌شود که قاضی در روند دادرسی عادلانه می‌بایست دارای فضیلت‌های اخلاقی داشته باشد. فضیلت اخلاقی می‌تواند به ثبات اخلاقی مربوط باشد و شامل توانایی خویش‌داری و خودتکایی است که از قضاوت در برابر افراط‌هایی که ممکن است در پاسخ به انگیزه‌ها، نیازها و امیال شخصی رخ دهد، محافظت می‌کند (۲۶). بنابراین اخلاق قضایی از جهت دارا بودن صفات مثبت در رفتارهای قاضی، یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه است که جهت اصلاح رفتارهای فردی و شخصی قاضی مطرح می‌شود.

علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های مثبت فردی و ثبات اخلاقی، علم قاضی که ناشی از اطلاعات کافی و متناسب درباره امر قضاوت است، به نوبه خود بخش مهمی از روند دادرسی عادلانه را شامل می‌شود. به همین دلیل، علم قاضی و قرارنگرفتن در معرض بی‌ثباتی‌های اخلاقی و روانی، ترحم و مماشات در امر قضاوت و تکبه بر ظن از جمله مسائلی است که می‌تواند اخلاق قضایی را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل عقیده اساسی در این زمینه آن است که قاضی باید در آخرین تحلیل، به یقین برسد، ولی این علم باید از راه دلایلی که به او در جریان دادرسی تقدیم شده حاصل شود (۲۷).

در مرحله بعدی، استنباط و علم قاضی در روند دادرسی به شکل قابل توجهی می‌بایست از تحلیل‌های شخصی و جانب‌داری به دور باشد تا رویکردی عادلانه بر روند قضاوت حاکم شود. علاوه بر این، عنصر معنوی استنباط قاضی است که بر اساس ذکاوت، تجربه و دانش خویش و ارزیابی کلی از قرائن و عنصر مادی دلیل انجام می‌دهد. این امر نسبت به ادله مختلف متغیر و بیشترین تأثیر آن در امارات قضایی اعمال می‌شود. در تعریف یادشده، آزادی عمل قاضی به گونه‌ای است که می‌تواند عنصر مادی را به عنوان قرینه و اماره قضایی مؤید

که می‌تواند بر روند تصمیمات قضاوت چه در حین دادرسی و چه در زمان انشای رأی تأثیرگذار باشد. قاضی که در مسند قضاوت نشسته است، اگر فاقد اطلاعات و دانش حقوق باشد، یا تحت تأثیر تمایلات و احساسات قرار گیرد، یا نفع شخصی و گروهی را در تصمیم خود اثر دهد و به علت ضعف شخصیت و عدم اعتماد به نفس، مرعوب قدرت و شوکت قدرتمندان و صاحب منصبان باشد و آلت دست بازیگران عرصه قدرت و سیاست واقع شود، مسلماً تشخیص قضایی و رأی او هم ناشی از تأثیر همین عوامل است (۲۵).

با توجه به عوامل بیان شده، مسأله قضاوت ممکن است تحت تأثیر عوامل درونی، عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... قرار گیرد و هر یک به انحاء گوناگون بر روند دادرسی حقوقی تأثیرگذار باشند. بنابراین برای بررسی سهم اخلاق قضایی در دادرسی حقوقی می‌بایست راه‌های کنترل و غلبه بر قضاوت‌های ناروا و ناعادلانه را شناسایی نمود و برای بهبود امر قضاوت راه حل‌هایی پیدا کرد.

بهبود اخلاق قضایی در دادرسی حقوقی

با توجه به چالش‌های پیش روی امر قضاوت و برای جلوگیری از بی‌عدالتی‌های قضایی در دادرسی حقوقی و همچنین برای غلبه بر فشارهای درونی و بیرونی که هر کدام به نوبه خود بر امر قضاوت و اخلاق قاضی تأثیرگذار می‌باشند، می‌توان راه حل‌هایی ارائه کرد که بر مبنای این راه حل‌ها، سهم اخلاق در دادرسی حقوقی لحاظ شود و قضاوت را به سمت حقیقت رهنمون سازد.

بر این اساس، ارائه راه‌کارهایی برای کاهش و از بین بردن فشارهای درونی و بیرونی در روند دادرسی به نوبه خود می‌تواند سهم به سزایی در تحقق دادرسی عادلانه ایفا نماید. بر این اساس، می‌توان راه‌کارهای بهبود اخلاق قضایی را در دو دسته بهبود رفتارهای فردی و بهبود شرایط اجتماعی و محیطی ارائه کرد.

تشخیص داده و از لحاظ معنوی نیز هر یک از این قرینه‌ها را ثابت‌کننده دعوای خواهان بدانند، به گونه‌ای که به اقناع وجدان برسد (۲۸).

همچنین در زمینه ویژگی‌ها و صفات فردی، استقلال و آزادی عمل قاضی یکی از مؤلفه‌های مهم در اخلاق قضایی است که ناشی از بی‌توجهی قاضی به فضا سازی‌های بیرونی و تکیه بر علم و توانایی‌های متقن خویش است. بر این اساس، از یک قاضی انتظار می‌رود که در روند دادرسی عادلانه، استقلال و آزادی عمل داشته باشد (۲۹)، تا به شکل مطلوب‌تری بتواند اخلاق قضایی را تحقق بخشد. در این میان، قاضی می‌تواند در حین دادرسی، حکم الهی را بر طرفین دعوی روشن سازد و به نوعی نقش ارشادی نیز داشته باشد، ضمن این‌که در چنین روندی، قاضی نباید تلقین حجت به اعدا الخصمین کند و این خلاف عدالت است، ولی بیان حکم شرع اشکالی ندارد و قاضی می‌تواند هر کدام را که از حکم الهی غافل است، آگاه کند (۳۰). در نهایت به نظر می‌رسد، مرز تلقین و ارشاد به عملکرد حرفه‌ای و قضایی دادرس مرتبط می‌باشد و ارشاد قضایی بدون آنکه خللی در امر قضاوت ایجاد کند، می‌تواند ضامن اخلاق قضایی تعبیر شود.

بهبود محیط بیرونی و اجتماعی در دادرسی عادلانه

شرایط و عوامل محیطی که تحت عنوان عوامل اجتماعی و بیرونی در اخلاق قضایی و دادرسی عادلانه مطرح می‌شوند، از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اخلاق قضایی هستند که نقش مهمی در بهبود اخلاق قضایی دارند. این موضوع غالباً تحت تأثیر متغیرهایی از جمله شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. به طور کلی در این زمینه عقیده بر این است که قاضی بدون هرگونه دخالت، فشار یا نفوذ نادرست از جانب هر یک از بخش‌های حکومت یا جای دیگر، رسیدگی و تصمیم‌گیری کند (۳۱).

علاوه بر این، یکی دیگر از مؤلفه‌های بیرونی تأثیرگذار که می‌تواند اخلاق قضایی را دچار خدشه کند، تأثیرپذیری قاضی از فضای رسانه‌ای و جوسازی‌های محیطی است که می‌تواند دادرسی عادلانه را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل توصیه

و راه‌کار اساسی در این زمینه آن است که روند دادرسی باید به گونه‌ای باشد که تحت تأثیر احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای و گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی، قومی و نژادی قرار نگیرد (۳۲)، زیرا چنین عواملی به نوبه خود از بین‌برنده دادرسی عادلانه و مخدوش‌شدن اخلاق قضایی است.

استقلال قاضی در روند دادرسی عادلانه از دیگر مؤلفه‌هایی است که آسیب‌پذیری‌های بیرونی را نیز به حداقل می‌رساند. استقلال در امر دادرسی عادلانه به نوبه خود بیانگر بی‌طرفی و دوری جستن از فضا سازی‌های بیرونی است که به نوبه خود حامی اخلاق قضایی است، ضمن این‌که اصل بی‌طرفی نیز در دادرسی عادلانه بسیار مهم است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بیرونی و محیطی که می‌تواند بر این روند اثرگذار باشد، نقش فضا سازی رسانه‌ای و گرایش‌های سیاسی در جامعه است که می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گیرد. بر این اساس، برای رعایت بی‌طرفی کامل، اصل منع عضویت قضات یا شبهه وابستگی آنان به احزاب و گروه‌های سیاسی، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد (۳۳).

دوری جستن قاضی از روند محیطی و بیرونی نقش به سزایی در بهبود اخلاق قضایی ایفا می‌کند که بیش از هر چیز ناشی از استقلال و بی‌طرفی در امر دادرسی عادلانه است، ضمن این‌که اصول استقلال و بی‌طرفی در اصول مربوط به دادرسی عادلانه اغلب در کنار هم به کار برده شده‌اند (۳۴). همین موضوع نشان می‌دهد که استقلال و بی‌طرفی و تبری جستن از فضا سازی‌های محیطی و بیرونی، کمک‌کننده دادرسی عادلانه است که هم می‌تواند حقوق طرفین دعوی را رعایت نماید و هم از اطاله دادرسی جلوگیری نماید، زیرا توجه مفرط به به عوامل محیطی و جوسازی‌های رسانه‌ای به اطاله دادرسی منجر می‌شود که حتی در نهایت می‌تواند اصل قضاوت را نیز دچار خدشه سازد.

علاوه بر این اخلاق قضایی از منظر بیرونی و محیطی می‌تواند تحت تأثیر عدم امنیت شغلی قضات نیز قرار گیرد. بدین معنا که عدم تمکن قاضی از یک طرف و شرایط دشوار اقتصادی از طرف دیگر باعث می‌شود تا وسوسه‌های مالی و اقتصادی،

سیاست‌های قضایی و امنیت بهداشت روانی توسط قوه قضاییه فراهم شود تا متعاقباً اخلاق قضایی رشد والایی یابد. برای مثال تأمین انواع مسائل تفریح و آزادی قضاات از انواع اشتغالات و آرامش درونی، استقلال فکری در تصمیم‌گیری و انشای رأی با استقلال قاضی به شکل قابل توجهی می‌تواند زمینه‌های فردی و اجتماعی خطاهای قضاات را به حداقل برساند.

همچنین با امنیت‌بخشیدن به مسایل اخلاقی و روانی دادرسی، می‌توان راه‌های کشف حقیقت برای قضاات با هر نوع خلاقیتی را گسترش داد تا رویه قضایی به سمت پویایی بیشتر رهنمون شود. به همین منظور ارشاد توسط قضاات در حین دادرسی یا ابتدای دادرسی موافق اخلاق قضاات تفسیر شد که حتی می‌تواند اخلاق قضایی را بهبود ببخشد. همچنین بر اساس قوانین داخلی کشور ما نیز باید گفت ضمن جدایی تلقین دلیل توسط قاضی عملکرد قاضی در جهت کشف حقیقت و تحصیل دلیل در اجرای ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی سودمند تفسیر شد و تلاش شد که قضاات حقوقی از هر شیوه‌ای برای رسیدن به کشف حقیقت بهره‌مند شوند. تداوم این عملیات توسط قضاات باعث می‌شود که آرای مملوس و به واقعیت نزدیک‌تر صادر شود و متعاقباً تمکین بهتری از آرای قضایی توسط اشخاص صورت گیرد. همچنین با ارتقای اخلاق قضایی می‌توان پراکندگی دادرسی و طرح انواع دعاوی متعدد را کاهش داد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که با بهبود سیاست‌های قضایی با تشکیل انواع کلاس‌های اخلاقی، معنوی و روانی و تداوم در آزمایش‌های تقویتی و حتی تشکیل مدارس خاص قضاوت در استمرار اخلاق برتر اسلامی و ارتقای نحوه دادرسی عادلانه گام‌های والایی برداشته شود.

می‌توان بر این اعتقاد بود که قضاوت‌های حقوقی به صورت چشم‌گیر می‌تواند تحت تأثیر فشارهای خارجی و بیرون از ذهن قاضی باشد که این امر قابل کنترل معرفی می‌شود. برای مثال انواع سیاست‌های قضایی در موضوعات مختلف، از جمله استقلال مالی و قضایی و انواع تأمین‌های روانی با انواع پیش‌فرض‌های اجتماعی حمایت‌شده از سوی قوه قضاییه

اخلاق قضایی را دچار خدشه کنند. بنابراین مسائل مالی و معیشتی قاضی نیز می‌توانند روند دادرسی عادلانه را تحت تأثیر خود قرار دهند. همچنین در برخی موارد، روند دادرسی عادلانه می‌تواند تحت تأثیر فساد سیاسی، طرفداری سیاسی و جناحی قرار گیرد و اخلاق قضایی خدشه‌دار شود. به نظر می‌رسد دستیابی به اخلاق قضایی از این جهت مستلزم رفع مشکلات مالی در امر قضاوت و جلوگیری از زدوبندهای سیاسی، جناحی و مالی در امر قضاوت است.

نتیجه‌گیری

قضاوت یکی از جلوه‌های مهم اقتدار نظام‌های سیاسی و اجتماعی است که وظیفه برقراری عدالت و حاکمیت قانون را در میان مردم بر عهده دارد. در این میان، منصب قضا همانند سایر رفتارها و پدیده‌های اجتماعی نمی‌تواند عاری از خطا و نارسایی باشد. همین مسأله باعث شده تا مبحثی با عنوان اخلاق قضایی مورد توجه قرار گیرد که بر اساس آن، توجه به ویژگی‌های شخصی و روانی قضاات، نحوه دادرسی آن در مباحث طرح دعوی و شکایت و دادرسی و همچنین محیطی که در آن به دادرسی می‌پردازند، مورد توجه ویژه قرار گیرد. به این دلیل که اخلاق قضایی نیز می‌تواند به طریق عمدی یا سهوی، مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر دیدگاه‌های فردی و اجتماعی، سلاقی و تصمیمات ناصحیح قضاات قرار گیرد و فرایند کشف حقیقت و برقراری عدالت را با اشکال رو به رو سازد. نتایج بحث نشان داد که بینش قضایی در حین دادرسی و انشای رأی، تحت تأثیر انواع فشارهای درونی و بیرونی می‌باشد که ناخودآگاه امکان دارد بر انواع تصمیمات حقوقی قضاات تأثیر غیر مستقیمی بگذارد.

فشارهای درونی و بیرونی بر قاضی، همچون انواع هیجانات، حالات و رفتارهای اصحاب دعاوی مدنی، فقر، مشغله‌های فکری، اعتقادات رسوخ‌کرده درون قاضی، عاطفه، احساسات و... می‌باشد. به همین دلیل برای هموارشدن دادرسی عادلانه ضروری دانسته شد که علاوه بر شناسایی عوامل یادشده از دو بعد بیرونی و درونی، راه‌های کنترل این عوامل با انواع

مستقل می‌تواند تا حدودی حامی قضات در تصمیم‌گیری باشد، ضمن این‌که کاستن از فشارهای بیرونی و تلاش برای حل مسائل مالی و شغلی قضات می‌تواند روند بهبود اخلاق قضایی را تسریع ببخشد.

References

1. Moradi A, Yusefi Maragheh M. Judicial Professional Ethics in International Law. *Juornal Police International Studies* 2012; 1(11): 7-29. [Persian]
2. Jafari Langeroodi MJ. Terminology of Law. 23th ed. Tehran: Publications Ganje Danesh Press; 2011. p.20. [Persian]
3. Qorbanian S. Social Intuitionism; Psychology of Moral Argument according to Jonathan Heed. *Journal of Moral Knowledge* 2016; 2(19): 59-72. [Persian]
4. Mir Shekari F, Nasti Zaei N. Relationship between Management based on Human Dignity and Resilience. *Journal of Bioethics* 2018; 8(30): 23-34. [Persian]
5. Tavakol M, Farahani H. Sociological Study of Mental Disorders. *Journal of Bioethics* 2017; 7(26): 7-21. [Persian]
6. Akbari P, Azami M, Alizadeh Z. Relationship between Professional Ethics, Organizational Spirituality and Creativity of the Staff. *Journal of Ethics in Sciences and Technology* 2018; 13(4): 62-68. [Persian]
7. Eslami M. Applied Ethics; Challenges and New Investigations on Practical Ethics. 2nd ed. Qom: Publications Institute for Islamic Sciences and Culture; 2009. p.87. [Persian]
8. Rostami B, Karimi F, Hadian Shirazi A. Identification of Factors of Ethical Leadership in Quran and Nahjulbalaghah. *Journal of Ethics* 2018; 11(41): 65-88. [Persian]
9. Mousavi Khalkhali M. Governance in Islam or Velayat Faqih. Translated by al-Hadi J. Qom: Publications Islamic Press; 2001. p.288-309. [Persian]
10. Mohaqeq Damad Yazdi M. Principles of Jurisprudence (Mohaqeq Damad). 12th ed. Tehran: Publications Islamic Sciences Press; 1986. p.31. [Persian]
11. Sadeqi Esmaeil Z, Abdvand I. A Study of the Relationship of Ethics and Judgment in Persian Classic Literature. *Journal of Studies in Educational Literature* 2016; 8(29): 121-152. [Persian]
12. Irani A. Characteristics of Judge according to Nahjulbalaghah. *Resalat Newspaper* 2010; 1(25): 22-24. [Persian]
13. Izadifard AA, Kaviar H, Hoseinnejad M. Sensual Justice of the Judge in the Islamic Jurisprudence of Islamic Imam and Iranian Law. *Juornal the Views of the Judiciary* 2018; 9(81): 29-52. [Persian]
14. Qorbanian S. Why Should I Be Moral? *Journal of Ethics* 2018; 8(31): 107-129. [Persian]
15. Nasiri Dolatabadi M, Saburi M. How Could We Be a Competent Judge? An Advice for New Judges. *Journal of Qizavat* 2017; 1(92): 163-192. [Persian]
16. Mohebbi M. Independence of the Judge: Liability or Immunity. *Juornal Attorney* 2000; 1(4): 1-6. [Persian]
17. Sanei P. Influence of Personality Factors in the Opinion of the Judges. *Journal of Bar Association* 1968; 1(109): 20-29. [Persian]
18. Dewey J. Logical method and law. *Cornell Law Review* 1924; 1(10): 17-29.
19. Shahmoradifar T, Abdullahi M, Hassani J. Influence of Strategic Teaching of Order in Moral Judgment in view of the Potentiality of Vocational Memory. *Journal of Social Knowledge* 2014; 3(11): 7-30. [Persian]
20. Karimi Y. Psychology of Personality. 14th ed. Tehran: Publications Nashr Press; 2010. p.104. [Persian]
21. Tracy B. Power of Expression. Translated by Aqaei P. 9th ed. Tehran: Publications Ashkezar Press; 2010. pp24-27. [Persian]
22. Arab Ahmadi F, Khazaei A. Social Movements and Its Influence in Formation of Citizenship Rights. *Journal of Bioethics* 2018; 8(29): 8-16. [Persian]
23. Ansari B. Role of Judge in Transformation of Legal System. 2nd ed. Tehran: Publications Mizan Press; 2013. p.36. [Persian]
24. Emami H. Civil Law. Tehran: Islamyah Press; 2015. Vol.4 p.69. [Persian]
25. Mohebbi M. Independence of the Judge: Liability or Immunity. *Juornal Attorney* 2000; 1(4): 1-6. [Persian]
26. Naseri Dolat Abadi M, Sabouri M. Characteristics of a good Judge; Principles of Judicial Ethics and professional conduct. *Juornal of Judgment* 2017; 17(91): 163-192. [Persian]
27. Karoozian N. Proof and Reason proof. Tehran: Publications Mizan; 2002. [Persian]
28. Razaqi K. Standards of Judicial Procedure in International Documents and Judicial System of Iran. *Kanoon Monthly* 2012; 1(105): 112. [Persian]
29. Kaufman J. The Essence of Judicial independence. *Colombia Law Review* 1980; 80(4).

30. Makarem Shirazi N. Kitab al-Nikah. 1st ed. Qom: Publications Imam Ali School Press; 2004. p.72. [Persian]
31. Azizi I, Amiri M, Vizheh MR. The Impact of Judge Choice on Judge Indepence in US Law With a Look at Iranian Law. *Juornal Comparative Law Research* 2013; 1(11): 121-145. [Persian]
32. Fazaeli M. The fair trial of international Criminal Trials. Tehran: Fundamental Shahr Danesh; 2015. [Persian]
33. Hashemi M. Fundamental rights and political structures. Tehran: Publications Mizan; 2011. [Persian]
34. Majdzadeh GH. Fair trial, Concept of mechanism. Masres Degree in International Law in Shahid Beheshti University. Tehran: University of Shahid Beheshti; 2003. [Persian]